

طراحی منظر ساختارگرا

The Assessment of
Metamorphosis Process in
Peter Latz Approaches in
"Saarbrücken" and "Dora"
Park

چکیده: پیتر لاتز (Peter Latz) معمار منظر آلمانی، که شهرت خود را مدیون پروژه‌هایی است که در سایت‌های پسا صنعتی انجام داده است، در رابطه با این فضاهای آلوده و تبدیل کاربری صنعتی به فراغتی، زیبایی‌شناسی خاصی ارائه کرده است. وی با حفظ عناصر موجود در سایت، توانست علاوه بر ایجاد فضایی بدیع برای کاربران، خاطرات و نشانه‌های موجود در شهر و سایت را به خوبی حفظ کند.

لاتز با طراحی بندرگاه زاربروکن در سال ۱۹۸۰ که در گذشته انبار ذغال سنگ بوده است، توانست ایده‌هایش را برای تبدیل یک سایت آلوده به فضایی تفریحی به خوبی به نمایش بگذارد. البته در این پروژه که از پروژه‌های اولیه او محسوب می‌شود ردپایی از زیبایی‌شناسی کلاسیک به چشم می‌خورد که در کارهای بعدیش از جمله طراحی پارک دورا در تورین ایتالیا، به کلی از بین می‌رود. لاتز در طراحی این پارک توانست به خوبی فضای آلوده صنعتی یک کارخانه را بدون پاکسازی از باقیمانده‌های آن به پارک شهری تبدیل کند.

وی همواره توجه به ساختار را از نکات کلیدی دانسته که در طراحی پروژه‌هایش به آن توجه می‌کند. او خود را معمار منطری ساختارگرا می‌داند. این نوع نگاه که با توجه به ساختارهای موجود و حفظ آن، زیبایی‌شناسی خاصی در منظر ارائه داد، حاصل توجه و تکیه بر فلسفه ساختارگرایی است که اندیشمندانی چون کلود لوی استروس^۱ و فردینان دو سوسور^۲ مطرح کرده بودند. این نوشتار تلاش می‌کند با مقایسه تحلیلی رویکردهای پیتر لاتز در دو پروژه بندرگاه زاربروکن و پارک دورا نگاه ویژه او را به سایت‌های پسا صنعتی مورد کنکاش قرار داده و ساختارگرایی وی که رویکردی مفهومی، فراتر از یک ایده فرمالیستی بوده و سبب پیوند لایه‌های اطلاعاتی سایت شده است را در این دو پروژه بیازماید.

واژگان کلیدی: پیتر لاتز، لایه‌های اطلاعاتی، ساختارگرایی، پسا صنعتی، مردم‌گرایی.

Structuralist Landscape Design

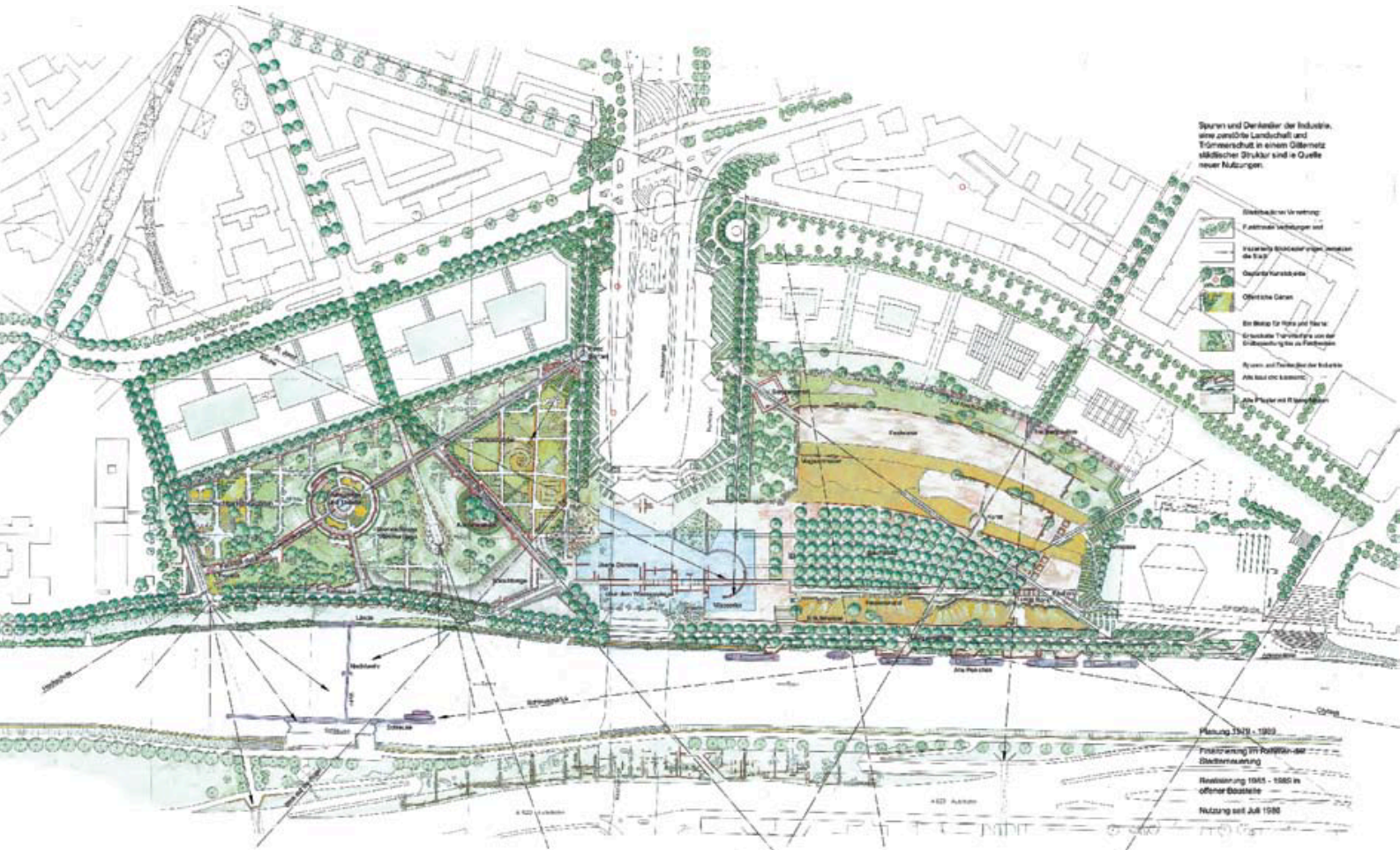
ارزیابی روند تحول رویکردهای پیتر لاتز در دو پارک زاربروکن و دورا



ریحانه حجتی، کارشناس ارشد
معماری منظر دانشگاه تهران
reyhane.hojjati@yahoo.com



زهره شیرازی، کارشناس ارشد
معماری منظر دانشگاه تهران
zohreshirazi@yahoo.com



تصویر ۱: خطوط کلی با مطالعه سایت و لایه‌های اطلاعاتی و حوادث صورت گرفته در آن. پارک زار بروکن، آلمان. مأخذ: Weilacher, 2007.

Pic1. Syntactical design concepts work with the information levels available on site. Source: Weilacher, 2007.

تصویر ۴: بندرگاه هافننسیل. پارک زار بروکن، آلمان. مأخذ: Weilacher, 1999.

Pic4. Bürgerpark, Hafensinsel. Source: Weilacher, 1999.





تصویر ۱۰: استفاده از مصالح باقیمانده در سایت صنعتی در چداره‌سازی، پارک دورا، تورین، ایتالیا. عکس: پیتر لاتز و همکاران.

Pic10. Creating an exciting dialogue between old and new. Photo by: Latz + partner.

مقدمه

«ساماندهی مکان بد» جایگاه ویژه‌ای در اندیشه طراحی پیتر لاتز دارد. دغدغه اصلی او طراحی و اصلاح چنین مکان‌هایی است و با تزئین کردن مکان‌ها به صورت زیبا و بکر به عنوان یک رویکرد منظرین موافق نیست. سایت پروژه‌های او معمولاً از بین مکان‌هایی انتخاب می‌شود که جایی فراموش شده و یا متروکه است، به طوری که در برخورد اولیه با سایت معمولاً قابلیت تبدیل شدن به یک مکان جمعی و تفریحی در آن دیده نمی‌شود. در بندرگاه زاربروکن گروه پیتر لاتز برای اولین بار در یک مقیاس بزرگ، ایده خود را برای احیای مکان بد در یک سایت پسا صنعتی به نمایش گذاشتند. روند تکامل و به پختگی رسیدن نظریه و ایده‌هایشان را در پروژه پارک دورا در ایتالیا می‌توان دید. شمردن لایه‌های اطلاعاتی که در هر سایت وجود دارد، نشان‌دادن گذشته بد سایت با حفظ آثار آن، بها دادن به حضور و مشارکت مردم و دانشجویان در روند تکامل و همچنین نحوه برخورد با گیاهان و نوع طرح کاشت از مهم‌ترین دلایل متفاوت شدن طرح‌هایش به حساب می‌آید. پیتر لاتز در برخورد با سایت‌های پسا صنعتی روشی ساختارگرایانه را در پیش می‌گیرد. با وجود اینکه ساختارگرایی در زبان‌شناسی و انسان‌شناسی ریشه دارد، پژوهشی چند موضوعی است در ارتباط یک متن با ساختارها و رویکردهای خاص اعم از زبان‌شناختی، روان‌شناختی، متافیزیکی، منطقی، اجتماعی یا بلاغتی. زبان‌ها و ساختارها به جای اینکه ابداع‌گر، پایه‌گذار و یا خودآگاه باشند به منبع اصلی توضیح و توصیف تبدیل می‌شوند. ساختارگرها زبان‌شناسی را همچون یک روش به کار می‌گیرند و می‌کوشند تا دستور زبان‌هایی ایجاد کنند یعنی فهرستی از عناصر نظام‌مند (سیستماتیک) و امکان ترکیب و آمیختگی آنها که شکل‌دهنده فرم و معنای آثار ادبی باشند (نسبیت، ۱۳۸۶: ۴۸). پیتر لاتز ساختار نحو و ترکیب دستور زبان را به عنوان الگویی در برخورد با سایت‌های پسا صنعتی مورد توجه قرار داده است.

پارک بندرگاهی زاربروکن

منطقه هافنینسل (Hafeninsel) در گذشته یک بندرگاه ذغال سنگ در ساحل زار (Saar) در شهر زاربروکن (Saarbrücken) آلمان بوده است. در اواسط قرن ۱۹ با رشد صنعتی منطقه به عنوان لنگرگاه کشتی‌های باربری و عبور راه‌ها و خط راه‌آهن از آن به یک بندرگاه پر رفت‌وآمد و همچنین پیشرفته تبدیل شده بود. در حملات جنگ جهانی دوم بندرگاه ویران و به تدریج با به گل نشستن کشتی‌ها و جمع‌شدن زباله‌ها در آن، به منطقه‌ای متروکه تبدیل شد. در اواخر دهه هفتاد با توسعه شهر، امتداد بزرگراه از کنار بندر می‌گذشت، به طوری که این سایت دوباره در معرض دید عموم قرار می‌گرفت، در نتیجه احیای مجدد سایت به یک مسئله تبدیل شد که آن را به گروه طراحی پیتر لاتز واگذار کردند. نتیجه مطالعات در ۳ گزینه کاملاً متفاوت ارائه شد. گزینه اول با الهام از پارک‌های رومانتیک قرن ۱۸ انگلیسی بود، گزینه بعد با الهام از پارک‌های کلاسیک قرن ۱۷ فرانسوی با یک هندسه قوی و در گزینه آخر خطوط کلی با مطالعه سایت و لایه‌های اطلاعاتی و حوادث صورت گرفته در آن به دست آمده بود. با اینکه ۲ گزینه اول مورد استقبال گروه‌های کارفرما قرار گرفته بود، ولی توسط گروه طراحی رد شد (Weilacher, 2007)؛ (تصویر ۱). بازسازی یک منطقه پسا صنعتی برای تبدیل شدن به یک منظر تفرجگاهی با حفظ عناصر موجود در آن، رویکردی است که پیتر لاتز در طراحی بندرگاه هافنینسل به کار گرفت و تکامل نظریاتش را در پروژه‌های بعدی وی می‌بینیم. نظریات او بیش از یک ایده فرمال مانند آنچه در برخی از پروژه‌های پست مدرن می‌بینیم است. لاتز با رویکردی ساختارگرایانه به تاریخ و لایه‌های متنوع شکل‌دهنده منظر سایت به طراحی می‌پردازد.



تصویر ۲: استفاده از مصالح
به جا مانده در سایت در
باغسازی جدید. پارک زار
بروکن، آلمان. مأخذ:
Weilacher, 1999.

Pic2. Industrial traces and
monuments, a landscape
that has been destroyed
and rubble within their-
ban structural grid cre-
ate places for new uses.
Source: Weilacher, 1999.



طراحی با کمترین دخالت در سایت با یک رویکرد آگاهانه به لایه‌های اطلاعاتی موجود در سایت به جای چسباندن یک زیبایی‌شناسی بیگانه بر روی سطح که منجر به خراب کردن لایه‌های اطلاعاتی و ردپاهای تاریخی موجود در آنجا می‌شود، رویکرد اصلی آنها به‌شمار می‌رود. ایده‌های افراطی سنت‌گرا و فرمال هیچ‌گاه نمی‌تواند در طراحی حرفه‌ای منظر بحث برانگیز باشد و مورد قبول عام قرار گیرد. به عقیده لاتز پیشرفتی که در طول زمان به وجود آمده را نمی‌توان نادیده گرفت و به این ترتیب تقلید کورکورانه از باغ‌های کلاسیک می‌تواند به حذف شدن بسیاری از انتخاب‌های جدید بیانجامد (تصویر ۲). طراحی جدید باید در راستای توسعه شهر با استفاده از سازه‌های شهری موجود برای اتصال دوباره آنها باشد. لاتز با استفاده از ابزارهای گوناگون موجود در سایت و نه دور انداختن تاریخ موجود در آن و تلاش برای شکل دادن به خرابه‌هایی که دائماً ویران‌تر می‌شوند، یک روند طراحی تحلیلی و ترکیبی را انتخاب کرده است (تصاویر ۳ و ۴).

پارک دورا

تکامل نظریات پیتر لاتز و تجربه چند ساله وی و همکاری‌های در سایت‌های پساصنعتی سبب شد تا پروژه‌های زیادی در این زمینه، در سطح جهان به آنها واگذار شود، از آن جمله پروژه پارک دورا (Parco Dora) در شهر تورین (Turin) در شمال غربی ایتالیا بود که در سال ۲۰۰۴ پس از برگزاری مسابقه‌ای به لاتز و همکاری‌های واگذار شد. بنابر تجربیات پیشین، لاتز در این پروژه از ابتدا طراحی را با رویکرد ساختارگرایانه و بدون توجه به ایده‌های کلاسیک منظرسازی آغاز کرد.

شهر تاریخی تورین که گارینو گارینی (Guarino Guarini) زیباترین قصرها و کلیساهای خود را در دوره باروک در آن ساخته است (گیدین، ۱۶:۱۲۸۳)، در سال ۱۸۹۹ با تأسیس کارخانه فیات و گسترش خطوط ریلی، به منطقه ویژه صنعتی تبدیل شد. اما از دهه ۷۰، نواحی وسیعی از این زمین‌های صنعتی رو به متروکه شدن نهاد. در سال ۲۰۰۶ به علت برگزاری المپیک زمستانی در این شهر، با برنامه‌ریزی دقیق و مشخص، بخش اعظم این نواحی از پسماندهای صنعتی پاک شدند. بخشی از این سایت صنعتی برای طراحی یک پارک شهری در نظر گرفته شد. هدف اولیه در طراحی این پروژه ساختن پارک در هماهنگی کامل با ساختار شهر بود. پارک دورا که به دلیل مجاورت با رودخانه دورا این نام را گرفته است، از ابتدا با رویکردی مشخص و متفاوت با آنچه در پروژه زاربروکن اتفاق افتاد، بدون ایده‌های فرمال و با رویکردی معناگرا طراحی شد. در این پروژه، خوانش منظر بیش از هر چیز وابسته به نشانه‌های باقیمانده از گذشته است. حفظ عناصر موجود در سایت که در نگاه اول زیبا نمی‌نماید، و تبدیل آن از کاربری صنعتی به کاربری تفریحی، که در آن حضور مردم شرط بقای پارک است، از کانسپت‌های اولیه این پارک است. برای حفظ روحیه منظرین در این پارک عناصر و باقی‌مانده‌های سطوح بتنی با گیاهان بالارونده پوشیده شده و به تاثیرگذارترین قسمت پارک تبدیل می‌شود و در نتیجه تصویر جدیدی از تکنولوژی و طبیعت در هارمونی با یکدیگر مشاهده می‌شود (تصاویر ۵ و ۶). لاتز عناصر باقی مانده در سایت را عناصر وابسته به آینده (futuristic-looking elements) می‌خواند. او سقف دال بتنی باقی‌مانده از یکی از بناهای موجود در سایت را به سایبان فنی (technical canopy) تشبیه کرده و آن را با سایبان طبیعی یک درخت مقایسه می‌کند (تصویر ۷).

در این مجموعه مسیرهای طولانی بر روی ستون‌های فلزی ساخته شد تا علاوه بر ارایه دیدهای متنوع به فضاهای مختلف پارک، بتوان با گسترش بناهای مسکونی اطراف اتصال قوی برقرار کرد (تصویر ۸). این توجه به ساختار شهر، بناهای اطراف و گذشته موجود در سایت باعث می‌شود تا لاتز در این پروژه نگاه فرمال و یا کلاسیک را کنار گذاشته و زیبایی‌شناسی خاصی ارایه دهد که در آن با کمترین دخالت ممکن و با شناسایی عناصر اصلی سازنده سایت و پررنگ کردن آن زندگی گذشته را به زندگی امروز متصل کند.

ردپای ساختارگرایی در طراحی منظر پساصنعتی

به عقیده لاتز ساختار بسیار از فرم مهم‌تر است. او می‌گوید که ساختار چیزی است که در نگاه اول جذاب نیست، ولی بی‌اثر نیز نیست. آن را به ضرب در یک اجرای موسیقی تشبیه می‌کند که تاثیر تکنواز را بیشتر می‌کند و در حقیقت صوت خوشی که به گوش شنونده می‌رسد را، حاصل ترکیب درست هر دو می‌داند. در طراحی ترکیبی (Syntax) که لاتز در پروژه‌هایش مورد توجه قرار می‌دهد، ساختار از پایه‌های اولیه در طراحی است.

ساختارگرایی (Structuralism) یکی از اندیش‌راه‌های رایج در علوم اجتماعی است. بر پایه این طرز فکر تعدادی ساختار باطنی و ناملموس، چارچوب اصلی در پشت پدیده‌های ظاهری اجتماع را تشکیل می‌دهند. روش ساختارگرایی در نیمه دوم سده بیستم از سوی



لاتز با رویکردی ساختارگرایانه به تاریخ و لایه‌های متنوع شکل‌دهنده منظر سایت به طراحی می‌پردازد. طراحی با کمترین دخالت در سایت با یک رویکرد آگاهانه به لایه‌های اطلاعاتی موجود در سایت به جای چسباندن یک زیبایی‌شناسی بیگانه بر روی سطح که منجر به خراب کردن لایه‌های اطلاعاتی و ردپاهای تاریخی موجود در آنجا می‌شود، رویکرد اصلی او به شمار می‌رود.



تصویر ۳ : استفاده از عناصر باغ‌های کلاسیک در بخش‌هایی از پارک زار بروکن، یادآور یادآور میادین باستان و کولوسئوم است. پارک زار بروکن، آلمان. مأخذ: <http://statics/panoramio.com>





تصویر ۶: دیوار سبز، پارک
دورا، تورین، ایتالیا. عکس :
فاطمه حکیم رابط، ۲۰۱۱.
Pic6. parco dora, green
wall. Photo by : Fatemeh
Hakim rabet, 2011.



تحلیلگران زبان، فرهنگ، فلسفه ریاضی و جامعه به گونه‌ای گسترده بکار برده می‌شود. ساختار نظامی است متشکل از اجزایی که رابطه‌ای همبسته با یکدیگر و با کل نظام دارند، یعنی اجزا به کل و کل به اجزا سازنده وابسته‌اند، چنان که اختلال در عمل یک جز، موجب اختلال در کارکرد کل نظام می‌شود. به گفته لوی استروس، شاید روش ساختارگرایی چیزی بیش از این نباشد، تلاش برای یافتن عنصر دگرگونی ناپذیر در میان تمایزهای سطحی. این گفته در واقع جان مایه ساختارگرایی را روشن می‌سازد. ساختارگرا باید تمایزهای سطحی و ظاهری بین متون را کنار زده، تا به آن عنصر یکه و ثابت متون همپایه دست یابد. هیچ چیز بیرون از متن وجود ندارد و خوانش ما باید درونی بوده، در چارچوب متن بماند. هم ساختارگرایان و هم پیاساختارگرایان تاریخ را مورد نقادی قرار دادند و تاریخ باوری را به چالش گرفتند؛ در این میان ساختارگرایان ثابت کردند که جامعه پیشین دارای مزیتی به جوامع قبلی نیست و آنها هر کدام دارای منطق خاص خود هستند ساختارگرایان حقیقت را در پس پرده متن می‌جستند (علوی‌زاده، ۱۳۴۴). سوسور به الگویی از ایجاد ارتباط دست می‌یابد که شامل رمزگذاری و رمزگشایی مفاهیم است. وی معتقد است که تغییرات تاریخی در خارج از نظام زبان، یعنی در «گفتار» صورت می‌پذیرد و پس از قراردادی تازه در میان سخنگویان زبان، بر نظام زبان تأثیر می‌گذارد.

جنبه‌ای از فهم زیباشناختی که لاتز نیز بر آن تأکید دارد، این است که معناییابی و ارزشگذاری اساساً به هم وابسته و مرتبطاند. معماری‌ای که مخاطب آن را زیبا می‌انگارد، مکانی است که او به واسطه آن تجارب لذت‌بخش زندگی را از سر گذرانده است، تجاربی که اهمیت فرهنگی معماری به خاطر آنها است. در هر سایت چیزی وجود دارد که در نگاه اول به چشم نمی‌آید در حالی که ساختار اصلی آن است. لاتز با مطالعه لایه‌های اطلاعاتی موجود و یافتن ساختار اصلی نهفته در سایت و قدرت بخشیدن به آن در یک سایت پیاسانستی، آن را قدرت می‌بخشد. به بیان دیگر با حفظ نشانه‌ها و یا اضافه کردن عناصر خاص به آن، ساختار نهفته در آن مکان را پررنگ می‌کند.

فلسفه ساختارگرایی خوانش تک‌معنایی را مردود می‌داند و معتقد به خوانش‌ها و تفسیرهای مختلف و تفاهم، تعامل و تحمل این خوانش‌ها نسبت به یکدیگر و در کنار یکدیگر است (قبادیان، ۱۳۸۲: ۱۵۴). پیتز لاتز نیز در طراحی پروژه‌هایش با حفظ عناصر موجود در سایت، این خوانش و تفسیرهای متفاوت را به مردم سپرده تا هر کس با نگاه خاص خودش، منظر را ادراک کند. برخلاف برخی از معماران پست مدرن نمادهای مرتبط با بستر را به طرح می‌چسبانند و نشانه‌ها و نمادهای جدیدی را در طراحی به وجود می‌آورند. او تزئین و افزودن عناصر جدید را به حداقل رسانده و توانسته به خوبی کاربری‌های جدید را به سازه‌های موجود اضافه کند. او با بازسازی یک سایت پیاسانستی و تبدیل آن به یک فضای عمومی جدید و با کیفیت توانسته ذهن هر فرد را در رابطه با آنچه از پیش وجود داشته و آنچه اکنون دیده می‌شود، به خوبی در کنار هم بنشانند تا علاوه بر حفظ خاطرات پیشین، منظر نو و متناسب با زمان و نیازهای آن به وجود آورد. بخشی از این دو پارک در طرح و اجرا نیمه‌کاره رها شد تا با سلیقه مردم عادی با کنار هم نشان دادن مصالح باقی‌مانده از گذشته در سایت ساخته شود، طرح کاشت نیز براساس سلیقه مردم و همچنین ظرفیت زمین سایت برای پرورش گیاه است. به عقیده لاتز یک سایت صنعتی از ابتدا پتانسیل کشاورزی و گیاه‌کاری را ندارد و معتقد به یک طرح کاشت تحمیلی در آن است و این در ادامه ارزش ماهیتی اجتماعی است که زبان‌شناس و ساختارگرا برای هر نشانه در متن خاص، خود قائل می‌باشد.

در بندرگاه زاربروکن، ۳ گزینه متفاوت برای طراحی مطرح شد که در آخر طراحی که با مطالعه لایه‌های اطلاعاتی و ساختاری سایت و قوی‌تر نشان دادن آن، به نتیجه رسیده بود، انتخاب شد. لاتز تاریخ باغسازی و تأثیر آن را نادیده نمی‌گیرد ولی تاریخ سایت و ردپای اتفاقاتی که در آن افتاده را بسیار با ارزش‌تر از باغسازی کلاسیک می‌داند. مانند ساختارگرایان به تاریخ اجازه می‌دهد تا در طول زمان تغییر کنند. در این پارک دروازه ورودی از یک طرف یادآور میادین باستان و کولوسئوم است و همچنین قرارگیری آن در میان آب شیبیه موقعیت سایت پوزولی (Pozzuoli) ۲ و یا خرابه‌های ویلای هادریانا (Villa Hadriana) ۳ است. باغ‌سازی به سبک رنسانس از این جهت برای لاتز قابل تامل است که دارای چندین لایه اطلاعاتی است. او به نوعی مفاهیم گذشته را به مفاهیم مطابق روز در می‌آورد. به عقیده کلاس ریسینگر (Claus Reisinger) ۴ یکی از عوامل مهمی که در باغ‌های منظرین را رویکرد کلاسیک از آن نباید غفلت شود ویرانه‌هاست.

حدود ۲۰ سال بعد در پارک دورا خاص‌تر شدن ایده لاتز به عنوان یک ساختارگرا دیده می‌شود. وی از همان ابتدا به ایجاد پارکی با خطوط و عناصر تاریخی نمی‌اندیشد (تصویر ۹). با مطالعه خطوط اثرگذار در سایت و تأکید بر روی آن مجموعه طراحی می‌شود. در اینجا با اضافه کردن ستون‌های فلزی و قدرت بخشیدن به آن به عنوان یک عنصر اصلی در منظر

Pic5. Concrete monoliths covered with climbing plant: anew image of technology and nature in harmony. Source: www.urbanfile.it.

تصویر ۵: تصویر جدیدی از تکنولوژی و طبیعت در هارمونی با یکدیگر. عناصر و باقی‌مانده‌های سطوح بتنی با گیاهان بالا رونده پوشیده شده‌اند. پارک دورا، تورین، ایتالیا. مأخذ: www.urbanfile.it.



Pic7. Peter Latz calls The 30 meter highhall roof of the former vitaliron factory a "Technical Canopy" and compares it to Anatural canopy of trees, intended to offer alarge number of leisure activities in the future. Source: Weilacher, 2007.

تصویر ۷: پیتز لاتز سقف بتنی باقی‌مانده از یکی از بناهای موجود در سایت را به سایبان فنی تشبیه کرده و آن را با سایبان طبیعی یک درخت مقایسه می‌کند. پارک دورا، تورین، ایتالیا. مأخذ: www.flickr.com .

سایت، آن را وسیله‌ای برای ارتباط فضای دور افتاده پارک به فضای شهر می‌بیند. پختگی و مصمم شدن او در عقایدش، در طول دوره کار حرفه‌ایش با کمترین دخالت در سایت مشاهده می‌شود. البته لاتز ساختارگرایی را اصل قرار نمی‌دهد و بسیاری از مواقع از آن عبور می‌کند. طراحی منظر را طراحی ناتمام و انتهای باز می‌داند که گذشت زمان، حضور مردم و تجربه فضایی می‌تواند آن را تکمیل کند. در قلب ساختارگرایی این جاه‌طلبی علمی وجود دارد که رمزا، قوانین و نظام‌های شالوده‌ای کلیه اعمال اجتماعی و فرهنگی بشر را کشف کند (کوپال، ۱۳۸۵: ۸۹)؛ (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

جمع‌بندی

در احیای یک سایت صنعتی می‌توان آن را کامل خراب کرد و یک منظر با تزئین عناصر باغسازی کلاسیک که مقبول عام خواهد بود، را جایگزین آن کرده در حالی که اگر معماری منظر را روندی بدانیم که با مقولات ذهنی و معنایی معمار آغاز می‌شود و در نهایت به مقولات عینی و صوری می‌انجامد و مخاطب از آن بازخوردی معنایی و ذهنی خواهد داشت، نادیده گرفتن ارزش هر مکان یا فرد خاص و طراحی براساس یک سری قوانین ثابت کار با ارزشی نخواهد بود، علی‌الخصوص که در ساختارگرایی به خواننده متن به عنوان یک عامل مهم توجه می‌شود. پیتر لاتز در طراحی پروژه‌هایش توانست علاوه بر ایجاد فضاهایی با کاربری‌های متنوع و جذاب و ارتباط خوب بین سایت و ساختار شهر، شیوه‌ای نو در بازسازی سایت‌های پسا صنعتی ارائه دهد. موفقیت پروژه‌های او بیشتر مرهون نوع زیبایی‌شناسی خاصی است که از فلسفه ساختارگرایی برمی‌خیزد، رویکردی که از آغاز در پروژه‌هایش مطرح بوده و در سیری تکاملی در آخرین پروژه‌هایش نیز متبلور است ■

پی‌نوشت

۱. کلودلوی استروس (Claude Lévi-Strauss): انسان‌شناس و قوم‌شناس فرانسوی قرن ۲۰، پدر انسان‌شناسی مدرن.
۲. فردینان دو سوسور (Ferdinand de Saussure): زبان‌شناس سوئیس قرن ۱۹ و ۲۰، متولد ژنو، پدر زبان‌شناسی قرن بیستم.
۳. گارینو گارینی (Guarino Guarini): معمار سبک باروک اهل ایتالیا، قرن ۱۷ میلادی.
۴. پوزولی (Pozzuoli): شهر آتش‌فشانی واقع در یونان قدیم، در ایتالیا امروزی.
۵. ویلا هادریان (Villa Hadriana/Villa Adriana): مجموعه ویلایی مربوط به قرن دوم بعد از میلاد در شهر تیولی (Tivoli) ایتالیا، نمونه‌ای از باغسازی روم باستان.
۶. ریسینگر کلاس (Claus Reisinger): نویسنده کتاب Schloss und Garten zu Schwetzingen.

منابع

- علوی‌زاده، الهام (۱۳۹۴) ژاک دریدا پسا ساختارگرایی شالوده شکنی، هفته نامه نقش نو، ۱۸ و ۱۹.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۲) مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، ج ۵، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کوپال، عطاه‌الله (۱۳۸۵) ساختارگرایی آخرین جلوه استبداد حقیقت، مجله باغ نظر، شماره ۵، صص ۹۰-۸۱.
- گیدین، زیگفرد (۱۳۸۲) فضا زمان معماری، رشد یک سنت جدید، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نسبیست، کیت (۱۳۸۶) نظریه‌های پسامدرن در معماری، ترجمه: محمدرضا شیرازی، تهران: انتشارات نی.
- Weilacher, U. (1999) *Between Landscape Architecture and Land Art*, Berlin: Birkhäuser.
- Weilacher, U. (2008). *The Syntax of Landscape*, Berlin: Birkhäuser.

تصویر ۸: پارک در ارتباط قوی با بناهای مسکونی اطرافش طراحی شده است. پارک دورا، تورین، ایتالیا. عکس: فاطمه حکیم رابط، ۲۰۱۱.
Pic8. Linking the park with the housing development .photo by: Fateme Hakim rabbet, 2011.



تصویر ۱۱: فضای جمعی چند عملکردی. پارک دورا، تورین، ایتالیا. عکس: لا استمپا.
Pic11. Parco Dora for public infrastructure that can be used on a daily basis. Photo by: La Stampa.



تصویر ۹: یکی از ورودی‌های پارک دورا، تورین، ایتالیا.
عکس: فاطمه حکیم رابط، ۲۰۱۱.

Pic9. The architectural and garden design of the sunken tranquility garden on the Harbour Island borrows unmistakably from historical models. Source: [http://statics/panoramio.com](http://statics.panoramio.com), 2011.